

رساله ای بر علم حروف

بزرگترین مجموعه آموزشی قدم به قدم علوم غریبه

<http://www.himiya.ir>

<http://www.himiya.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

در بیان استخراج احوال آینده و استکشاف احوال مضیه

و این بر انواع است و معظم ترین و قایق این فن را طایفه
بنوعی استخراج کرده و بر ضوابط دقیقه اشاره فرموده و ما آنچه انحصار

انحصار باشد و اعتماد را شاید ذکر خواهیم کرد بروجهی که کمال ضوح

و غایت فتوح داشته باشد بالله العظیم و من الله التوفیق از جمله آن

یکی است که اصول خمس را که عبارت از اسم و جیب و کیفیت

و طالع و حسب طالع که استخراج نمایند و طریق آن چنین است

که اصول خمس را زمام کنند و تفسیر نمایند تا آخر تفسیر صدر و

مؤخر چنانکه اصل بیرون آید پس صدر تفسیر را زمام کنند

و تفسیر نمایند تا آخر آنکه مؤخر است آن تفسیر بگیرد و تفسیر بدو تا



۲
آفر باب و ما بجهت اسانی درک مبتدی ثانی بیاریم باسم
محمد بیاریم چون بطریق مذکور از تکبیر اصول خمس صدور
گرفته تا مل باید کرد و در آن سطوح چیزی که حاصل شود از ظلمات
مکیده البته البته از حال طالب حکایت کند از گذشته و آینده
سایل مقویاً منضوباً چون این مقدمات معلوم کردی بمبرادرسی انشا
الله تعالی و در اینجا چند کلمه مجمل برای مثال بیاریم منصف از نقطه
توان راه بمضمون سخن برد : شد اسم سایل محمد فروش قم قم قم د
و لقب جلال الدین فروش ج ل ال ال دی ن کنت
ابوالقاسم فروش اب و ال ق اس م طالع نور فروش
شور صاحب طالع زهره فروش زهره جمع حروف از تکبیر
اصول خمس مرصع مدجل ال ال دی ن اب و ال
ق اس م شور زهره زهره و این نسبت و نه حرفست
چون حروف مستحصله از آن جمع کردیم یعنی حروف مکرر را اندازیم

شانزده م سج دج ال ی لب و ق س ث ن مره

این حروف را چندان تکبیر کند که زمام اصل باز گردد و از آن

استخراج احوال کند منصوباً یا مقنوباً العاقل یفید الاشاره :

ایضاً مثال دیگر مفصل ترین ازین باشد در مثال مذکور رسم

محمد فروش می می ح ام ی م دال لقب صلیب الدین

فروش ج ی م ل ام ال فال ام ال فل ام دا

ل ی اف و ن کنیت ابو القاسم فروش الف

ب او او ال فل ام ق اف ال ف س ی ف ی

م طالع نور فروش ث او او را حب طالع زهره فروش

زاده اراه ا حبیب فروش از تکبیر اصول غنیه م ی م ح ام

ی م دال ج ی م ل ام ال فال ام ال فل ام د

ال ی اف و ن ال ف ب او او ال فل ام

ق اف س ی ف م ی م ث او او را زاده ا



شانزده م سج دج ال ی لب وفق س ث نمره

این حروف را چندان تکبیر کند که زمام اصل باز گردد و از آن

استخراج احوال کند منصوباً یا مقنوباً العاقل یفید الاشاره :

ایضاً مثال دیگر مفصل ترین ازین باشد در مثال مذکور رسم

محمد فروش می می ح ام ی م دال لقب صلیب الدین

فروش ج ی م ل ام ال فال ام ال فال ام دا

ل ی کن و ن کنیت ابوالقاسم فروش الف

ب او او ال فال ام قی اف ال ف س ی ف ی

م طالع نور فروش ث او او را صاحب طالع زهره فروش

زاده اراه اجمیع حرف از تکبیر اصول غنیه م ی م ح ام

ی م دال ج ی م ل ام ال فال ام ال فال ام د

ال ی کن و ن ال ف ب او او ال فال ام

قی اف س ی ف ی م ث او او را زاده ا



ساده ۱ مجموع این حروف پنجاه و نه است چون تمام این
حروف را تکبیر کنیم انقدر که تمام اصل باز گردد و از آن استشفاف
احوال سایل نماید بهتر خواهد بود نوع دیگر بدانکه این فن در
تشخیص احکام گذشته و آینده از عدد موزن منصوب یا مقصوب با هم
بوده و سخنهای زیر میگویند و احکام بر می آرند چنانچه بعضی برانند
که کلمه که از عدد حاصل شود تعلق با حوال گذشته سایل است
و چیزی از موفرات حاصل شود احوال آینده است الحق این
سخن نیست که فریدی بران مقصوب نیست رحمة الله علی قایل که شافعی
و بعضی دیگر برانند که مجموع کلمات از عدد موفرات بر پنج مقصوب
متعلق بران استقبل سایل است و مجموع کلمات که از عدد موفرات
بر پنج مقصوب حاصل شود متعلق بران گذشته است و این قول در صورت
دو نیست زیرا که بر عامل وضوح تمام دارد که هر کلمه که مقصوب است اشاره
باینده نماید و چیزی مقصوب است اشاره بگذشته میکنند فی الجمله چیزی

از ان بسط کثیر حاصل آید از حال گذشته در اینده سایل میگوید منصوباً
که ان او مقرباً نوع دیگر اسم سایل را بسط حرفی کند یا از حرف
سبوط را حرفی کند تا هفت مرتبه بسط کنند و حرف فاقه را از انجا
دارد تکمیل نماید تا آخر مخرج و از اول در سطور نظر کنند که چه حاصل آید البته
از اطوار حکایت کنند و بعضی دیگر همان هفت مرتبه را بدون تلخیص تکمیل
کنند و سرخطه نمایند و طلب جواب کنند اما اگر هر دو انجا آرند و در
هر دو موضع تامل کنند بهتر خواهد بود نوع دیگر استنباط احوال
از بسط عددی بحساب کند چنانچه اسم سایل را هفت مرتبه
بسط کند بطریقی که در بسط حرفی بیان کنم استنباط احوال از ان
کند نوع دیگر استفیاح کیفیت احوال بیمار چنین است
که از مریض لفظی پرسند هر چه بگوید آن کلمه را با اسم او و طبع و
بسط کنند و از انجا حرف تحصیل نمایند و به بیند که در ان
حرف چه طبع غالب است که بیمار را از ان طبع مرض حاصل شده



۴
راست و برگاه طبع مرض معلوم شود و انسان راست که شدت اراض

بسبب عدم تشخیص اراض است و میمان حافق مشتقی در بنی که دارند

بجمله تشخیص مرض دارند برگاه مرض تشخیص شد عید انسان است

نوع دیگر از استکشاف احوال اینده است که حسین مضر و عید

در کتاب سرالامرا ذکر نموده طریق چنان است که سوال را با طالع وقت

و صاحب طالع جمع کند و مجموع را تفسیر نماید و حروف را کسور استخصد

جمع نمایند و خالص خسته در تفسیر برد البسته در تفسیر حکم جوابش فی تواند ^{محضر}

بود بیرون آید و جواب مطابق سوال خواهد بود یعنی عربی را عربی و فارسی

را فارسی و عبری را عبری و امثال اینها نوع دیگر اسم سایل را با مطلب

جمع کنند و آن سطور را با طالع وقت و رب طالع استخراج کنند و تفسیر نماید

کنند تا زمام باز آید پس در سطور تفسیر نظر کنند که جواب شافی مطابق

سوال بیرون آید و بعضی دیگر اینند که سطور استخراج اسم سایل مطلب

بالیوم و صاحب استخراج دهند و از تفسیر آن استخراج جواب کنند نوع دیگر

در استحصال جواب که اسم طالب را سیصد و شش بار
لبط کند و بهر لبط آن رسم را با عدد آن لبط خالص نموده بنگراند
چون سیصد و شش و شش صیغه حاصل آید جمیع احوال سائل از گذشته
و آینده و خبر و شر و نفع و ضرر دنیا و عقبی و سبب و انتهای و منتهی معلوم
شود و کامل ترین استخراج همین است هر کس که این نوع استخراج ضبط
نماید تحقیق که کامل شود و بهر احوال جعفر الطالع کلی یابد نوع دیگر
از زبده عشرت رسول و اولاد و بقول امیر سید حسن قدس سره
مردی است که جعفر جامع موسوم است بجعفر مبارک و از آن احوال
جمیع افراد انسانی از حال ماضی و مستقبل میتوان دانست بدین طریق
که در صفحه که اسم آن شخص جلوه نماید حروف ملفوظی و مکتوبی و سردی
آن صفحه را استخراج کند و جدا نماید و معرب سازد و حروف ادل که رسم
ملفوظی و حروف دوم از رسم مکتوبی و حروف سوم از رسم سردی و کسیر
کند که از ابتدای صفحه تا موضع رسم احوال ماضی صاحب اسم باشد



وضع اسم احوال حال و از اینجا تا آخر صفحه احوال استقبال عقل خود را
 برپا ساخته استنباط احوال نماید لوعده دیگر از سیادت پناه سید
 حسین خلدی علی علیه الرحمته منقول است که هر وقت سوال مفروضه جدا
 نوشته چهار چهار بنویسد و هر چهار را بطریق ملفوظی و مکتوبی و سرری
 ترتیب دهند چنانچه معمول است و همه را یک سطر نمایند و پسینه
 که جوابشانی برای دانه اگر براید فبا و الا ان سطر را زمام ساخته
 نگشاید صدر و موفر نمایند تا آنکه زمام باز آید و دیگر سطر خطه کنند جواب
 شانی پدید آید و اگر در آن سطر هم ظاهر نشود و حرف هر یک سطر چهار چهار
 جدا کنند و بطریق ملفوظی و مکتوبی و سرری ترتیب دهند و یک سطر
 ساخته به پسینه جوابشانی برای دانه اگر در جواب پدید آید از دو وجه بر روی
 نسبت یا هر دو بر اثبات یا نفی مطلوب دلالت دارد یا مختلف باشد
 به تقدیر ازین هر سه آنچه موافق و مطابق اعراب عسفری جفری است
 معتبر باشد لوعده دیگر آنکه خواهی حسین مضمون جلدج ذکر نموده چندین

عمل هم مثل عمل سابقه است که تا از ذکر شده ولیکن چون چند کلمه
زیاد دارد و توضیحش پیش از آن است مکرراً نوشته شد طبعش
چنان است که سوال را با طالع وقت و حسب طالع جمع کنند و
مجموع را تکسیر نمایند و حروف هر سطر از آن سطر تکسیر جدا جدا
ثبت نمایند و کسورات تسعه هر حرف در پائینش بنویسند حروف
مستحصله را جمع نمایند و فاصل ساختن تکسیر بر دالبته در سطر تکسیر
جواب شافی بیرون آید بهر زبانی که سوال باشد و از استادای نقل
شده که در سطر آخر که نزدیک بنام میباشد اگر جواب مطلب در آن
حاصل نشود چند حرف که باقی میماند از آن ایام یا شهر یا نیت میشود و
سوال هر چه می باشد می باید مشخص باشد مثل آنکه فلان کار فلان کس
میشود یا نه و اگر نام مشخص باشد جوابش نیز بهمان نحو نام مشخص خواهد بود
والله اعلم نوع دیگر که بهترین و کامل ترین انواع استخراج است
و هیچ استادی در نسخ خود نیاورده عبادت گذار شده فخر نوشته شد



طریق آن است که اسم سایل و کینیت و لغت ابود طالع و حسب طالع
یوم و حسب یوم و عسات و حسب عسات و منزل و حسب منزل و حرف
کسورات تسعه همه را حروف گزیده مقطع سازند و بجا طرح جمع و فراغ از
افکار باطله و ادکار عاقله حرف مذکوره را تکریر نمایند تا زمام اصداب باز گردد
بعده ان حروف را عدد گرفته جمع و استنطاق نمایند مثلاً ۱۰۰۰
جمع عدد است چون استنطاق نمایم ۱۰۰۰ شش ۱۰۰۰ غ ۱۰۰۰ غ ۱۰۰۰ غ
غ حاصل شد و عدد تمام حروف تکریر را نیز گرفته جمع و استنطاق
نمایند و عدد نقاط تکریر را نیز جمع و استنطاق نمایند و مطابق قاعده
ملفوظی جمع سازند مثلاً ۱ الف ۱ ب ۱ ج ۱ د ۱ ه ۱ و ۱ ز ۱ ح ۱ ط ۱ ی ۱ م ۱ د ۱ د ۱ ا ل
علی هذا القیاس پس ان حرف را نیز جمع نموده با تکریر مذکور منقسم سازند بعده
مجموع حروف را نظیر ابجدی و اثنتی و اسیطمی و یقنی جدا جدا گرفته بقا
جفر جامع سازند و ترکیب متوین نمایند که از سطور تکریر و مجموع حروف
ترکیب این عمل ان شاء الله تعالی حواری مفصل از مافی و احادیث استنبال خواهد

گر شود و ما علی الرسول الا البیان لوعده دیگر سوال را بحرف و مقطوعه
نوشته مدخل بهر دو سیطره و صغیر بگیرد و همه را در استنطاق نماید یعنی حرفت
را حاصل کند و آن حرفت را خالص زود و تکبیر نماید چنانکه زمام اصل
باز گردد و بعد از آن در سیطره تکریم خط نماید که جواب معلوم شود منصوباً یا تعلقاً
چون از تکریم استکشاف احوال بطریق اقوال مختلفه در اعمال مستعدده فراغت
دست داد و خوارست که بعضی باشند انرا که در کتب معتبره منظر رسیده
یا از بعضی استادان دیده و شنیده بقلم آورد تا یادگار بماند و طالبان این
علم را موافق استعداد و قابلیت بکار آید و فایده رسد عقل خود را بهر
سازد و بقدر وسع و طاقنت و شعور و بیاقت در سایل و جواب سایل
کوشش و از ارواح بزرگان دین و پره استنادین استمداد استعانت
نماتا بمطلب ^{مطلوب} فایز گردی و جامع این ادراک بدعای مغفرت یابد نماید
انما اجره علی الله و الله الموفق و المعین فبذا انما اشرع فی المقصود
مثال اول از عمل مولانا میرزا یحیی شیرازی سکائی کپ یه



یحت ا ح و ا ل ح ک ی م ص ا د ق
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

و ب ی م ا ر ی ا و ه م ح ی ا ت ا و
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

عدد کبیر عدد و حروف سطر مطلب عدد نقطه های سطر مطلب

د ک ش ع ح ل
د ا ل ف ا ث ا غ ی ن ه ا ل ا م ک ا ف ت ح س

ض ج س ط س ن خ غ ق س ض س ظ ذ س ج ح ر م
غ ذ ت ذ ک م ع ت ض ف م غ م ذ ط س ع ج س ه و

س س ق ی ق ظ ص و ص س ظ ص ق و ص ص و ا ق

ر ا ا د خ ه م د ر د ا م و ه ر و د ص ص ا د ق د ر ر ا ه

ا و ه م خ ا ه د م ر د : مثال دوم از عمل مولانا میرزا محمد

صفاتی : ک ی ف ی ت ا ح و ا ل ش ا ه ط ه م ا

س پ ا ن ر ن ص ر ت و غ ل ب ه ا و عدد تمام سطر مطلب

عدد و حروف سطر مطلب عدد نقطه های سطر مطلب
ب ک ل ب ک ل
ب ک ل ب ک ل

ب ا ل ا م ن ر ا ی ا ش س ج س ک س ض ع س ع

س ض س ظ ش س خ س / ث م ا م ط م ن م ن
 م ن م د ث م ث م س ح ط د و ن ض ا ح ع س
 ر ن ع س ق ق ن ا ط م م م ص ن ع ل س م ت ب
 ا و و ن م ا ه ه ش ا س ا ه ط ه م ا س ب م ن ص در
 و ن ع ا ل ج م س ت : مثال سوم عمل شاه اهل الهند واری
 در اهل سلطنت محمد شاه پادشاه هندوستان که شاه اهل الهند در آن
 وقت در هند تشریف داشتند و دیده کی فی ح
 س ل ط ا ن ح م ح م د ش ا ه ک در ک ا ن ی
 و ر ه ن و ر ح ح ا ل ع د و ح و ت ع د و ل ف ا ط ن ا ل ا م ب
 ا ط ا ک ا ف ه ا ی ا : ح ت غ ح ظ ف ن ر ح
 ل و م ل ک ل ن ن ف ف ح ش ح ن ت م ج ش
 و د ت ض ر ط د ن ع ظ ن ع ض ض ا ن ع ه ر ب ت ی ا
 س ط ت ی ن و ک م ن ل ل س س ی ق ق ی

سی سی ال سی ل ط ن ت م ی ک ن و
 مثال چهارم در عبد محمد شاه به شاه سهندستان که استاد
 کامل شاه اهل السد در ویش نذکور در بند بود و شاه عبد الغفور
 نام شخصی از درانی بود و خود را در لباس تدویر و فقر جلوه گر ساخته
 در سر کار پادشاه نذکور بهرب میزد و بر پادشاه و جمیع امراسلط
 وجه از غلب و تسلط او بجای رسیده از شاه اهل السد بالتجاء
 خذلان و تکبب او سوال کردند جواب چنین فرمود نگیندند جورب
 چنین فرمودند کی ف ی ف ت ا ح و ا ل ش ا ه ع
 ب د ا ل غ ف و ر ا ن غ ل ج ب و ن خ د ل ا ن ا و
 د ق ی ی ر و ق ل ک د ا ل ق ا ت ن ر ا د ا ل و ا و
 ل ا م ک ا ت ک ض ذ خ ض ح ن ض ک ذ س ض
 س ذ ص ر و ض ج ذ ل ک ی ل ت غ و ذ ل ک ا ل
 ا ل ا ک ل و ص ل م ت ط ی ط ل ی خ ض

ب ظی طج طی ح ری خ ه ث م ح ث
 ب و خ ه ث م د ث ذ م ث ل ع ث ب ع س ن
 ر ب ه خ ه ص ر ص ن خ ع و غ و ج م ن ص ط ب ل
 غ و ع ق ی ق د و د ش ی ب ر ن ر ن ل د ع
 ع ب د ال غ ف و ر ع ن ق ری ب ق ی د
 س و د نه هنوز یکماه هم نگذشته بود که مشارالیه مخدول
 و محبوس گرد و بعد از آن شده اهل الدندک و چند روزی بر کسیر
 بکشمیر نشرف آورده بود مثال حسنیم در عهد سلطنت محمد
 یار شاه سید کاظم علی خان لاهوری بکشمیر آمده بود در غیبت ایشان
 احمد شاه در آنکه مخورست برای تسخیر هندوستان بشیال پور
 در آن آنای لشکر باستقبال آمده در سر هندی جنگ شده احمد شاه
 شکست خورد و باز بطرف خود حوالت نموده بود و پیش از جنگ
 و حبال ملیده دار السلطنت لاهور بود و اهل و عیال در آنجا در نشین

ممنون

کار



7
سحاب لاهور تفتیش حاصل شد که خان او بناخت غریبه اهل

وعیالش اسیر دورانی شده باشند و چون اهل السد حمته السد دران

وقت در شمیر تشریف داشتند از ایشان سوال نموده شاه صاحب خراج

سوال نموده بخان مذکور تشفی خاطر فرمودند عمل مذکور چنین است

ک ی ف ی ت ا ح و ا ل خ ا ن د و ا ه ل و ع ی

ا ل ک ا ط م ع ل ی خ ا ن چون این حروف را

خالص ساختم این شد ک ی ف ی ت ا ح و ا ل خ

خ ا ن د و ا ه ل و ع ی ا ن ط م ع ل ی خ ا ن د و ا ه ل و ع ی

ا ن د و ا ه ل و ع ی ا ن ط م ع ل ی خ ا ن د و ا ه ل و ع ی

ش م س م د خ ل ک ی ر ز پ ر م د خ ل و ی ر ط ر ز پ ر م د خ ل

صغیر پ ر م د خ ل و ی ر ط ر ز پ ر م د خ ل و ی ر ط ر ز پ ر م د خ ل

ک ی ف ی ت ا ح و ا ل خ ا ن د و ا ه ل و ع ی ا ن ط م ع ل ی خ ا ن

ا ن ط م ع ل ی خ ا ن د و ا ه ل و ع ی ا ن ط م ع ل ی خ ا ن د و ا ه ل و ع ی

ابع چون این صرودت جمیع تکبیریم سطر دوم حاصل شد
 ع ک ج ی اف ش ت ک اک ح ب و ر ل
 س خ م ن ش ه د ع ح ظ ا م و ت ل و و ر ب
 ن راه ق ر ع ه د ا س علی بن القیاس حیدان تکبیر نماید که
 زمام اصل باز گردد بعد از آن نظیر اینرا بگیرد و جمع نموده جوب
 حاصل نموده د ص ح ظ ض ف س ذ ق ر ش ت نماید
 ت ر ع س م ن ش م ش ض و ک ت خ م ط ک ن
 س ض ف ک ه ر و م ط د د ه ض ط ت حین این را
 نظیر اخذ کنی گرفتیم چنین شد ح ط د غ ش ع ر ن ل ذ ض
 ج ا س ت ر ک ه ض ک ض ش ی م ج ج
 ک ص م ر ن ش ع م ن س ی ک م ح ح ن ش
 ص ب چون نظیر اینرا گرفتیم حاصل چنین شد که مفوم گردید س
 ق ض ب س ذ م ب خ س ر ت ق ر ش ر ص ط ج



م س ص ع ظ ر ح ت ط س ق ت س س ض ط غ ی ض
ظ س ض ح ر ق ر ع ی چون نظیر اجدی گرفتیم چنین
حاصل شد که مرقوم گردید اه ال ع اک ط ع ی ل و ح و ز و د

و م ف ظ ا د ن م و ح ت ا ح ال م ن ح ل م ال
ی و و د ن خ چون این را تفسیر کردیم حو رب حاصل شد خ
ان و و اه ل ع ی ال ک ط م ع ل ی خ ان و م
ح ل ه ا و ا ن ر ح و ا د ت م ح ت و ظ م ن و چون
این عمل بحضور کمترین دعا گویند بعمل آید بزرگان که میگویند بهمان زبان
حو رب میاید - احترام خان با ابوجهات هن خبک درت احترام
سوال پرسید که ی فنی ت ح ال ا ح ت ر ا م خ ان
م ع ا ب و ال ج ر ک ا ت خ ان چ ک م د م
ی ک ر د د ا ح و ال ا ح ت ر ا م چ ک ا ه
چون خالص نمودیم چنین شد ک ف ح ال ت ر م خ ن

طالع
ج ذرا

ع ب وج زو جب اسم لعتب کسینت
اح قیرام ع ب ال موم اب ال م ال می
ط ارد خم میس م شتری مثال شش میس جوبن ابن نه نفره
سوار نام سوال اح ت ر ام ع ب دال م دال م لوم

ع ن اب دال م ع ال ی ج و ن راع ط اردخ م ی م
ش تری ال شش م س م داخل ثلثه مدخل کبر مدخل وسط
مدخل صغیر سطر داخل سوال ک ی ف ج ال ت ر ام ع ن
نشان ۱۵۳۸ نشان

ع ب دج ه زو جب اح ت ر ام ع ب دال م و م ن

اب دال م ع ال ی ج و ن راع ط اردخ م ی م
ش تری مثال شش م س ت ش ه ی ح ل
ح ا ق ا ف نظیر اشرفی عربی حینین است ت ف ط ن ج دج
ر م ر ح رض ن ح ل ا ن ط ف ر ح رض ن ح ن ل ص
ع ن ط خ رض ح ق م ن ط ن ط نظیر اشرفیه سوال غاری
ع ن ک ذ ط ر ط رض ن ط رض م ع ن ان ط ح ذ

نرخ

نخ ن ف ض ن اق ر ث ض ن ل ص ع ن ط لظ
الیقینی سوال عربی و ابح ع ع و ل ن م ع د ل ح ر م ع
ص م ا ا م م ل ت ل د ب ا ت ا ا ا ا ا ا ت
م ل م ی نظرا یقینی سوال منظوم فارسی دین درست و ج
ح ع د م ب ال ک ا د ن ع و ح ر م ا ت ا ی م ا
مش ب ی م ن ح ا ی م ن ر ر ج و ن د و سوال را تکیه کبریم
صدر و موخر کردیم جواب حاصل شد جواب عربی و م ال ج
م ع ع ی ال ان ام و ع ی و ال اح ت ر ا م ل ج د
ص ل و ا ل ا م ا م ج و ن این حروف را مرکب کردیم چنین
حاصل شد بوم المجمع عید الانعام و عید الاحترام بعد
صلوة الامام : جواب فارسی : م ر و ن ج م ع ع ی ح
آ م د ب ر ا ن ا م ل ی ک ج ل ش د ا ن و ع ی د
ا ح ت ر ا م : چون این حروف را مرکب کردیم چنین شد

بطریق نظم نظم روز جمعه بعد آمد برنام : لکین بافت ان و عید اقلیم
 مثال هفتم میر فقیر الدکنیت میر محمد مقیم کشمیری گذاشته شد
 چرا که همین نوع هر یک دارد : مثال هشتم سوکبه جیون نام مندی
 پشاور سی سوال چنین کرد بدین طریق حاصل شد ک سی ف سی ح ت ا ح
 و ا ل س و ک د ح ی و ن ج ب ا ن و ر ا ل و ی ن
 ح ا ن ا ف ن ع ا ن ا ر ن ص ر ح ت و ع ل ج ب د ا و م ا ل
 ا ی ن ک ا ر : چون این حروف را خالص ساختیم چنین حاصل
 شد ک ی ف ت ح ت ا ح و ا ل س و ک د ح ی و ن
 ج ب ا ن و ر ا ل و ی ن ح ا ن ا ف ن ع ا ن ا ر ن ص ر
 ح ت و ع ل ج ب د ا و م ا ل ا ی ن ک ا ر چون این حرف
 را خالص ساختیم چنین حاصل شد ک ی ف ت ح ت ا ح و ا ل س
 د ح ن ب ر ل و ن خ ن ر ص م و : این برنام بسبب کچ
 است از انگاه در ششم منوجه باقی بعمل شدیم ^{طالع} ^{محبه} و ذراع طارد

یوم مذهب است مذهب طالع سایل مذهب چهارم مذهب
سبب زحل نخ امس زهره ق و س م شری سز نبه ق و س

و س م مذهب چهارم مذهب مذهب مذهب مذهب
ح و ک ط ارد م شری م شری چون این حروف را جمع کردیم

چنین شد ج و زراع ط ارد س ب ت نر ح ل خ ام س نه

ره ق و س م شری و این مجموع پنجاد و هفت حرف است

چون این حروف را با حروف خالص جمع کردیم بقیاد و هشت بدین

طریق کی ف ت ا ح و ل س ج ن ب ر ل و

خ غ نر ص م ج و راع ط ارد س ب ت نر ح ل خ ام

س نه ره ق و س م شری س ن ب ل ه ق

و س ح و ت ع ط ارد م شری م شری م شری

و این حروف را تقسیم نمایند چند آنکه زمام اصل باز گردد پس انرا نظایر

ابتنی و ابجدی و اسطی و اشرفی چنانچه ~~مورد~~ ^{بهر} نموده شد بگیرد و از

تخمین جواب نماید چنانچه بعد از عمل قواعد مذکوره این سطر حاصل آید و بجهت

حرف تطویل اعمال و نظایر که مکررا برای عقد کشی اولوالکباب

و واضح و لایح شده کتبدار آن نیز درخت سطر جواب نسبت به س
دک و ج ی و ن م غ ل و ب و م ح ذ و ل ش ح و ب
ص ر ه ا ش ا ن ح د ق ه م ع ط ل م ی ش و د و م ق
ی د و م ح ب و م ک ر و ی و ه ع ا ق ب ت
ک ا ر ب ق ق ا ت ل م ی ر م س د : م ط ر د در خانه
اگر کس است بکورت پس است : از نکته توان راه بمغنون سخن برده
زیاده برین نشانی سرار عارفان و کاشفان اجازت استادان این است
والله اعلم بالصواب مثال هم که بهترین امثله است و عبارت
در شبه کافیه نشانیه مفصل ازین معلوم می شود در استخراج جمیع احوال
توان شد و هر که بتائید سجانی داد و نیز دانی راه یابن طریق استخراج بر دستنی
از اعمال دیگر گردد فهم من فهم زنهار که ازنا اهل مخفی و متعجب دارد و
درین سوال سابل دیگر می رسد و سوال از مرض دیگر می دارد به بیابن
او خبانه از عمل و سوال معلوم است و می نداند : السائل عبد الرزاق

الطالع ثور البراج سد السابع العقرب العاشر ولو حبيب
٨٤٨ ٢٠٠ ٥٦٤ ٦٤٣ ٦١٣

يأل عن مرض سلالة حفاو سيد المسلمين وخدمه اولاد اسم الطاهر
١٣٦١ ١١١٠ ١٩٢٦

ابو عبد القدوس سيف خان سببه وودايه حروف
٢٨٦ ٨١ ٤٥ ٣٢

مستنقطه ح م ن ر ض ع ح ح ت م س ن ر خ

ع ج ج خ ي ج ج غ ر س ا غ ق ي غ ط ك

و ر ف و ض ر ا ع ه ل ب ح ر و ف م ف و ظي ال س ا

ل ع د ال ا ق ال ال ع ال ال ا ف ر ح ر و ف م ف و ظي مستنقطه

ض ع س ع ج ج غ س ا غ ق ا غ غ ك ض ل ا غ ل ال

ا ف ر ح ر و ف م ك ت و ب ي م ر و ر ي ب ر ن ر ط ف ر ال ا ف ر ح ر و ف

م ر و ر ي م ك ت و ب ي مستنقطه ح ن ر ح ت م ن ر خ خ ي ر

ي ظ ر ف ه ب ال ح ر و ف م ك ت و ب ي و م ن م ن م

ال ح ر و ف م ك ت و ب ي مستنقطه د و ال ا ف ر ح ر و ف

م ف و ظي م ك ت و ب ي م ر و ر ي ح ي ن ي ن است كه د ر ح ب د ل ث ب ت ش د و م و ن د

خود و همه و غیره را جمع نموده در مقام ممالذت و مدالجه^{فیه} قایم مانده
محمد حسین خان افشار قزلباشی که یکی از جماعتداران عمده میرزا کور
بود از درویشی که بهره از علم حفر داشت سوال نمود درویش مذکور
استخراج احوال نموده چنین آمد که ی ف ی ت ا ح و
ال می و ن ق ی ر ا ل ه ب ا ن و ر ا ل د ی ن
خ ا ن د ر ا ن ی ا ن ر ع ل ج ه و ن ص ر ت ا و
ب ی ا ن ح ر و ف ر ا ب ط ع د ی ک ن ی ع ن م ل ا خ ط ک ن که هر یک از آن
حروف چند عدد دارد پس استنطاق کن آن اعداد را
و حروف ساز و آن حروف را جمع کرده سیر نمائی مثلاً بطریق
ملفوظی که ا ف م یکصد و یک است حروفش ا ق و ی ا
یا زده است حروفش ای و ت ا چ ا ر صد و یک است و حروفش
ا ت و ا ل ف ا ا م یکصد و یازده است و حروفش ای ق و
ح ا ن ه ت ح ر و ش ط و و ا و س ی زده است و حروفش ای ق

دل ام هفتاد و یک است حرفش اع و می م نود
است و حرفش ص وی ا یازده است حرفش ای و
و ه را د و صد و یک است و حرفش ا و و
هشتاد و یک است و حرفش ن و ق ا ه ف یکصد و شتاد
و یک است و حرفش اف ق وی ا یازده است و حرفش
ای و را د و صد و یک است و حرفش ا و و الف یکصد
و یازده است حرفش ای ق دل ام هفتاد و یک است
و حرفش اع و ل ام هفتاد و یک است و حرفش اع و
ه کشش است و حرفش و د ب ا سه است و حرفش
ج و الف یکصد و یازده است و حرفش ای ق و ن
یکصد و شش است و حرفش و ق و و ا و یازده است حرفش
ای ح ب و ل ام هفتاد و یک است حرفش ا و و د الف
سی و پنج است حرفش د ل وی ا یازده است حرفش ای

۸
ون ون یکصد و شش است حرفش وق و مخ ا
ششصد و یک است حرفش اخ وال ف یکصد و یازده
است حرفش ای ق ون ون یکصد و شش است حرفش
وق و دال سی پنج است حرفش هل و را دو صد و یک
است حرفش ا و وال ف یکصد و یازده است حرفش ای
ق ون ون یکصد و شش است حرفش وق و دال سی
پنج است حرفش هل و را دو صد و یک است حرفش
ا و وال ف یکصد و یازده است حرفش ای ق ون ون
یکصد و شش است و حرفش وق وی ا یازده است حرفش
ای ق و ن را هشت است حرفش ح و غ ی ن یکصد و شصت
است حرفش ا ح و ب است سی غ و ل ام هفتاد
و یک است حرفش ا ح و ب است حرفش ج و ه ا
کشتش است حرفش و و او سیزده است و حرفش ج ی

ون یکصد و شش است و حرفش وق و ص او نوییخ
است و حرفش ح ص و را دو صد و یک است و حرفش
اروت ا ح چهار صد و یک است حرفش ات و ال ف یکصد
و یازده است و حرفش ای ق و او نیرده است و حرفش
ج ی پس مجموع حروف مستنطفه این است ...

اق ای اف ای ات ای ق طح ی ای ق اع ص
ی اراف اف ق ای ارای ق اع و ج ای ق ج

ی اراک ق اع ه ل ای وق اخ ای ق د ق ه ل ار
ای ق وق ای ای ای ق ج س ن ع ا ج و ج ی وق

ه ص اراحت ای ق ج ی و این یکصد و یکصد و شش
است چون این حروف خالص ختم حاصل آمد اق ی ف

ح ط ج ع ص ر د ل و خ ح س ن ع ف این حرفه و
است چون این حروف را چندان تکثیر کنند که زمام باز گردد

۱۰
ط و ج و س و ن و ع و ف

یعنی همین سغده حرف است حاصل شود پس این را نظایر
گیر و بجا نخبه نموده میشود ا ق ی ف ت ط ج ع ص ر ه ل
و خ ح س ن ع ش ه خ ج ح م ت ف ب د و ق ص
ر ی ت ا ن م ز م ت ا و ش ق د ب ح ف غ ص ل
خ ج ع ط ک ص ن ق ت د ض خ ل ش ی م ت ح ب ذ ر
ط خ و ج ه ه خ و س ض ض ق ط ن ض ر ع ا ح م ی
ر ت ق ی ر ا ل ل ه م غ ل و ب س م ت

بجته تحقیق کجک هفتاد بار بر سفت سوزن بر هر سوزنی را
ده ده بار بخواند یا بیشتر بر دست زند تا پاره خون بیاید اگر پس باشد
بر دست راست زند و اگر دختر باشد بدست چپ کند
اَو اُمِّ رَبِّی اَمْتَا دَنِّی مَهَادِیَوَه اَو اَمَّ مَتَّه بَهَتْ سَوَامَا شَر

سوال آنکه ج ع ف راجح ن ه را ک
می دارند ک ا ح م ی آرد ملفوظیه و
مکتوبیه را یکجا بر انگاشتیم سروریه را علیحدہ
برچسبیدیم ہذا ملفوظیہ و مکتوبیہ ج ع ج ن ک د
ن ک ا م ا د و پس حروف اوسطیہ بدر
اوردیم لکن حروف الاوسطیہ می می و ا ا
و ا ل ی ل ا در ثانیہ ہم اوسطیہ الوسط
مکتوبیہ و ملفوظیہ بدر کشیدیم و بزمام اولین
بیت ساختیم ہذا ا ل ل ا ل ا ل و بیت
دوم از حروف سروریه بعمل اعداد الوسط ملفوظیہ
حروف اقربہ ثبت گردانیم لکن ان سروریه
ف ر ہ ر ی ر ی ر ی ر اعداد الحروف
اقربہ در گرفتیم ہذا اعداد الاقربہ ا ا ا ا ا ج ا ا
ع

۱۷
۲۰۰
حج ساختیم مع الصفر اعداد و به ح ۸۰ از ۱۲ طرح
ساختیم باقی ۸ مانده عدد اوسطیه ۸ دو مانده و
۲ را حرفت ساختیم ب شد عدد ملفوظی نمودیم
۳ شد حرفت ساختیم ج آمد عدد ملفوظی ساختیم ۳ شد
ج ن شد هم بعد ملفوظیه ۱۵۹ رسید و
حفاظت ن ق آمد عدد اوسطیه گرفتیم و ا آمد
ا شد بیت ساختیم ب ج ج ن ط ن ق ا
بعد از آن در بیت اوسطیه مکتوبیه و ملفوظیه ثانیاً
ثانیاً به نوبت اصلی ادغام دادیم و بیت زمامیه
ثابت گردانیم بکند بیت الزمامیه که حکیم اصح بیت
فضد نامند ا ب ل ج ل ج ا ن ل ط ا ن
ا ق ل ا در اصل که چهار چهار رکع اند به ترتیب
صدر و مؤخر چهار بیت سازیم و هر که ثابت شود و پس

به تنظیم بسط الوسط فقه عددا و حرفاً در جدول کشیده
بالمستثنیات مستحصره بسط الوسط فقه به تبدیل
حروف و سطر به جواب موافق بدر آریم

ال ب ق ل ا ج ن ل ا ج ط ال ن ح
ن ال ال ط ب ج ق ال ل ان
ج ج ن ن ال ل ال ال ق ط
ج ب ج ج ج ن ط ن ق ال
ال ال ال ل ا ش

شکل ۵

تنظیم مسحورہ فقہ

د ب ج ح ت ح ش خ ج د ح ر خ ز د س
 ر ش ز ر ص س س ض س ط ص ط م ن ع ط ن ع ظ ف
 ع ق ن غ ل ک ف ل ق م ک ن ل و م ہ ن لا
 و س س ہ لا لا ہ س ا

اعداد الوسط بالنظر فقہ

د م	ت	ق	ل	ہ	و	ع	ب	ش	ج
۱۱	۸	۹	۷	۵۰	۴	۳	۲	۸	۱۴
س	ص	ض	ع	ا	کے	تتمہ	را	اصل	نبج الحد
۱۵	۲۷	۴۰	۸۰	۳۵					

دانش

شرائط عرفیه نه از ترک دنیا تصور توان نمود
و ترک دنیا نه از ترک حیات ملزمه پوشش
پوشاک و آداب نماید یا بی پوش و تکلفات
خواب خور که من مامور است دست معذریه
اند منسوب توان ساخت که اینهمه بثبوت اصلی
الآت الی کالبد بدنی اند و عرفان و حواص
الخاصیه آن که جزا در آن و دفع ان غیر وقوع ذهن
است و از آن ضایع نمی شود نمی تواند شد مطلب ازین
که جز بر راستی نگویید و یکشنبه دست دارد و آن شب
را از جناب کبری یا بخاصیت اجابت کلین نامیده اند
سوال مرقوم ۱۶ شمر حبب الله عبد الرحیم را در خاطر چه
اندیشه دارد با پادشاه کردن چه اندازد دارد نقطه چه
الراحه می مالد رخ اطریح و ان دی کشی و دارج

باب اول در شرح اهل کسر در پنج ه ان دانه
 ه دارد زمام منقوطیه گرفتیم حب بی خ چ ن
 ی مش حب پ سن چ ن ز چو که ز آخریه
 زمام منقوطیه حرف بیومین هوز است و هوز درجه دومین
 ابجد پس دورا در سه ضرب نمودیم شش شد و حاصل شده
 حرف اول زمام اصلی که ع در درجه عدد دوم گذاشتیم
 و او را اول نوشتیم ز که آخریه منقوطیه است بجای
 بوم گذاشتیم بنا و ع ز عدد س ختم ۴۰۶ جمع نمودیم
 ۸۳ از ۱۲ طرح نمودیم ۱۱ باقی ماند نظر کردیم در
 زمام اصلی دیدیم که آخر ~~حرف~~ الف ۱۱ است بحساب الف
 ملفوظی اوسط دی گرفتیم ل آمد ۳۰ از ۱۲ طرح ختمیم
 ۶ ماند نظر کردیم در زمام دیدیم که سر آمد که سر و به
 است اوسطیه حرف آخرین و که که الف است
 گرفتیم

۲۰
اگر بنویسیم عدد و تلفظی ساختیم ۱۰۰۰ آمد از دو اژده طرح نمودیم
۱۱ ماند پس از زمام اصلی که یازدهم وی ۱ درست در
اولین شماره یازدهم ن آمد که در شمار اصلی ۱۲ است
جمع نمودیم نذا و ع ز ال ر ن عدد ۳۶ حروف
ساختیم دس ش پس جمع نمودیم نذا و ع ز ال ر ن
دس ش پس زمام اصلا نوبت بنوبت حرف
دسیم و سیم تا آنکه نوبت حرف دسیم بر حرف
آخر زمام رسد اگر بنویسیم ببت ساختیم نذا

و ع انز و ا ر ل ه ر ر ن ط د دس
ش ش ن ع ب د د ا ن ا د
ح ا چ ر ه ا ا خ ش ا ه د
پس صدر و موخر ساختیم بحباب لطافه
کبیر در دایره کشیدیم حرف سومین با

نوع و شش برفش ادع مس ش داوچ از داد و بطا ااد دیر یل ر
ه دپج درع رول ش ی ه ه دبک رفش ح اادن ع اسل اش او ط او دن ج اادن

ع ن ر ا ل ر ن د س ش و ن ه

٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧ ٧

• • • • •

و ع ز ا ل ر ن د س ش ه ن

و د ن ا ن ر ه ش س ر ل ع ن

۵. ۲۰. ۵.

ب ب ا ح ب

ن ب ه ر ح ن ب ز و ز د و

ع ر و ع

١ ج ١ د ف ح ز ه و

ج ر ن ف ی ک ح و س ه ج

100



